

Research Paper

Assessment of the mediating role of cognitive emotion regulation associated with alexithymia and parental behavior based on the eating attitude among girl students

Zohreh Hatami¹, Fariba Hasani^{2*}, Roya Kochakentezar², Fatemeh Golshani²

1. PH.D student in general psychology department, central Tehran branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran

2. Assistant professor in general psychology department, central Tehran branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran

Received: 2021/05/13

Revised: 2021/09/07

Accepted: 2021/09/27

Use your device to scan and read the article online



DOI:

10.30495/jpmm.2021.28029.3399

Keywords:

Eating, Attitude, Parental behavior, Alexithymia, Cognitive emotion regulation

Abstract

Introduction: The aim of this study was to assess the mediating role of cognitive emotion regulation associated with alexithymia and parental behavior based on the eating attitude among girl students.

Method: The research method was descriptive correlation based on structural equations. The statistical samples of the study included all female high school students in Torbat-e Heydarieh, Khorasan Razavi in the academic year of 2019-2020 (N = 2832), of which 390 were selected according to the Slovin formula and multi-stage cluster sampling. They filled out alexithymia questionnaires by Bagby et al, and parental rearing methods by Baumrind and cognitive emotion regulation questionnaire by Garnefski et al . The obtained data were analyzed by regression equations using Spss 23 and Amos 18 softwares.

Results: The findings showed a positive and significant correlation between the variables of alexithymia, permissive, authoritarian parenting behavior and cognitive emotion regulation with eating attitude also a significant negative correlation between the variables of assertive and Authoritative parenting behavior and Cognitive regulation of maladaptive emotion with eating attitude (P < 0.01). Also, The indirect path of eating attitude based on alexithymia and parenting behaviors mediated by and cognitive emotion regulation of adaptive and maladaptive was significant so that 57% of the eating attitude variable was predicted.

Conclusion: According to the results, providing adequate training on parenting methods and cognitive emotion regulation skills can affect the formation of eating behaviors and attitudes.

Citation: Hatami Z, Hasani F, Koochak-Entezar R, Golshani F. Assessment of the mediating role of cognitive emotion regulation associated with alexithymia and parental behavior based on the eating attitude among girl students .Quarterly Journal of Psychological Methods and Models. 2021; 12 (45): 137-146.

***Corresponding author:** Fariba Hasani

Address: University, Central Tehran Branch, Iran, **Postal Code:** 1955847781.

Tell: : +98-21-22481634

Email: :hasani.faribaa@yahoo.com

Ethical Considerations

Compliance with ethical guidelines

All subjects fully filled the informed consent.

Funding

No funding.

Authors' contributions

Design and conceptualization: Zohreh Hatami and Faribaa Hasani

Methodology and data analysis: Zohreh Hatami and Roya Koochak-Entezar and Fateme Golshani

Supervision and final writing: Zohreh Hatami and Faribaa Hasani.

Acknowledgments

The authors thank and appreciate all the participants who collaborated during this project. This study was part of the PH.D. student thesis (No: 10120705972004) conducted by the first author, Zohreh Hatami. It was approved by the Islamic Azad University of central Tehran branch. We would like to express our deep appreciation to faculty members at the department of psychology for their constructive comments throughout this research.

Conflicts of interest

The authors declared no conflict of interest.

مقاله پژوهشی

نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه با ناگویی خلقی و رفتار والدینی بر مبنای نگرش به خوردن در دانش آموزان دختر

زهرا حاتمی^۱، فریبا حسنی^{۲*}، رویا کوچک انتظار^۲، فاطمه گلشنی^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه روانشناسی عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه روانشناسی عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۳

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید



چکیده

مقدمه: هدف از این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه با ناگویی خلقی و رفتار والدینی بر مبنای نگرش به خوردن در دانش آموزان دختر بود.

روش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر معادلات ساختاری و جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر مدارس دوره دوم متوسطه شهر تربت حیدریه خراسان رضوی (N=۲۸۳۲) در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود که از بین آنها تعداد ۳۹۰ نفر بر اساس فرمول اسلووین و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های ناگویی خلقی، شیوه‌های فرزندپروری بامریند، وارسی بدنی ریس و همکاران و تنظیم شناختی گارنفسکی و همکاران را تکمیل نمودند. اطلاعات بدست آمده با روش معادلات رگرسیونی با کمک نرم افزار Spss 23 و Amos 18 تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: همبستگی مثبت معنی داری بین متغیرهای ناگویی خلقی، رفتار والدینی سهل گیر و مستبد و تنظیم شناختی هیجان ناسازگار با نگرش به خوردن وجود دارند. همچنین همبستگی منفی معنی داری بین متغیرهای رفتار والدینی قاطع و اطمینان بخش و تنظیم شناختی هیجان سازگار با نگرش به خوردن وجود دارند ($P < 0/01$). همچنین مسیر غیرمستقیم نگرش به خوردن بر اساس ناگویی خلقی و رفتار والدینی با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار معنادار بود به طوری که ۵۷ درصد از متغیر نگرش به خوردن را پیش بین نمودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج می‌توان با آموزش شیوه‌های فرزندپروری و مهارت‌های تنظیم شناختی هیجان، در شکل‌گیری رفتارها و نگرش‌های مناسب مربوط به خوردن و بهبود آن تأثیر گذاشت.

DOI:

10.30495/jpmm.2021.28029.3399

واژه‌های کلیدی:

نگرش به خوردن، رفتار والدین، ناگویی خلقی، تنظیم شناختی هیجان

* نویسنده مسئول: دکتر فریبا حسنی

نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

تلفن: ۲۲۴۸۱۶۳۴

پست الکترونیکی: hasani.faribaa@yahoo.com

مقدمه

هیجان را می توان به صورت فرایندهایی تعریف کرد که از طریق آن، افراد می توانند بر اینکه چه هیجانی داشته باشند، چه وقت آنها را داشته باشند و چگونه آنها را تجربه و ابراز کنند، تأثیر بگذارند (۱۷). لذا، مفهوم تنظیم شناختی هیجان به سبک های شناختی مدیریت اطلاعات برانگیزاننده هیجانی و جنبه های شناختی مقابله اشاره دارد که پس از تجربه رویدادهای استرس زا راه اندازی می شود (۱۸). از این رو، با توجه به اینکه دختران در محیط های خانوادگی خود، بر اساس شیوه های مختلف فرزندپروری بزرگ می شوند و این امر در چگونگی مهارت آموزی آنان در مقابله با فرایندهای هیجانی موثر است، فرد با مهارت تنظیم شناختی هیجان، ویژگی های مربوط به ناگویی خلقی کمتری را نشان خواهد داد و با توانایی بازشناخت و ابراز هیجانات مناسب در محیط خانوادگی، مشکلات کمتری را در حوزه خوردن نشان خواهد داد. از این رو، پژوهش حاضر به این منظور طراحی شده است تا با مشخص کردن مهمترین متغیرهای پیش بین نگرش های خوردن از جمله؛ ناگویی خلقی و رفتار والدینی به نقش واسطه ای تنظیم شناختی هیجان نیز توجه داشته و به طور همزمان نقش ترکیبی این عوامل را در پیش بینی آن، مورد بررسی قرار دهد تا به فهم هر چه بیشتر این سازه کمک کرده و امکان اقدامات پیشگیرانه و تشخیص بهتری را فراهم آورد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دختر مدارس دوره دوم متوسطه شهر تربت حیدریه خراسان رضوی در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۲۸۳۲ نفر بود که از این آنها تعداد ۳۹۰ نفر بر اساس فرمول اسلووین $n = N / (1 + N \alpha^2)$ (slovin) و به روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای، به اینصورت که از کل مدارس متوسطه دوم شهرستان تربت حیدریه، چهار مدرسه (دو مدرسه از مرکز شهر و دو مدرسه از حاشیه شهر) انتخاب شد. سپس به نسبت جامعه دانش آموزان (مرکز شهر ۱۵۵۰ و حاشیه شهر ۱۲۸۲ نفر) نمونه ۲۱۴ نفری از دو مدرسه مرکز شهر (هرمدرسه ۱۰۷ نفر) و ۱۷۶ نفر از دو مدرسه حاشیه شهر (هر مدرسه ۸۸ نفر) از کلاس های دهم، یازدهم و دوازدهم هر مدرسه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. جهت اجرای پژوهش، پس از انتخاب کلاس ها طبق روش نمونه گیری، ابتدا فرم رضایت نامه مربوط به پژوهش از نظر علمی و اخلاقی در زمان اجرا در بین شرکت کنندگان توزیع گردید تا مشارکت کنندگان در صورت تمایل به شرکت در پژوهش جهت اعلام رضایت آن را تکمیل کنند. سپس پرسشنامه ها جهت پاسخ گویی در اختیار دانش آموزان به صورت گروهی قرار گرفت و در مدت ۴۵ الی ۶۰ دقیقه پرسشنامه های مربوطه تکمیل گردید. دانش آموزانی که به هر دلیل از شرکت در پژوهش انصراف می دادند، نفر بعدی جایگزین گردید. قبل از اجرای آزمون اهداف پژوهش، نحوه پاسخگویی به سوالات و نکات مبهم تشریح و سعی گردید موافقت لازم آنان جهت شرکت در پژوهش جلب شود و همچنین پژوهشگر به مراجعان این اطمینان را داد که نتایج پرسشنامه ها محرمانه بوده و در اختیار هیچ فرد و سازمانی قرار نمی گیرد.

یکی از مسائل دختران در دوران نوجوانی، داشتن اندام مناسب و توجه خاص به وزن و شکل بدن خود می باشد که موجب می گردد به تبع آن نگرش های خاصی به خوردن و تغذیه توسط آنان اتخاذ شده و مشکلات مربوط به رفتارهای خوردن را ایجاد نماید (۱ و ۲). پژوهش های اپیدمیولوژی نیز میزان شیوع مشکلات مربوط به خوردن روز به روز در حال افزایش بوده به طوری که طبق بررسی انجام گرفته میزان شیوع آن از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ در حدود ۲/۷ درصد افزایش داشته است (۳). نگرش به خوردن به عنوان مجموعه ای از باورها، افکار، احساسات و رفتارهای مرتبط با غذا تعریف می شود که می تواند بر ترجیح غذایی و وضعیت سلامتی افراد تأثیرگذار باشد (۴). در این راستا، مطالعات نیز حاکی از آن است که سطح عواطف و هیجان و چگونگی بیان آن می تواند بر رفتار خوردن و نگرش های مربوط به آن تأثیر بگذارد. به عنوان مثال مطالعات Shank, Tanofsky-Kraff, Kelly, Jaramillo, Rubin, Altman Alpaslan, Soyly, Avci, Coşkun, Kocak & Taş (۲۰۱۹)، Novakofski, Mcfarlane & Cassin (۲۰۱۵)، و سجادی و دهقانی زاده (۱۳۹۵) نشان داده که افراد با مشکلات خوردن همواره سطح بالایی از ناگویی خلقی (Alexithymia) را نسبت به دیگر افراد گزارش می کنند (۵، ۶، ۷ و ۸). ناگویی خلقی سازه ای چند وجهی متشکل از دشواری در شناسایی احساسات (feelings-identifying difficulties) و تمایز بین احساسات و تهییج های بدنی مربوط به انگیزختگی هیجانی، دشواری در توصیف احساسات (describing feelings- DIF difficulties) و تمایز بین احساسات و تهییج های بدنی مربوط به انگیزختگی هیجانی، دشواری در توصیف احساسات (describing feelings- DDF difficulties) برای دیگران و قدرت تجسم محدود که بر حسب فقر خیال پردازی ها مشخص می شود و دارای سبک شناختی (externally-oriented thinking-EOT) عمل گرا و واقعیت مدار یا تفکر عینی است (۹) علاوه بر این، مطالعات انجام شده نشان داده اند رفتارهای مشکل ساز نوجوانان از جمله رفتارهای مربوط به خوردن، از تعامل چندگانه عوامل فردی، محیطی و خانوادگی نشأت می گیرد که در میان عوامل خانوادگی، رفتارهای والدین (parenting behaviours) از اهمیت بالایی در انتقال مشکلات روانشناختی کودک به دوران تحولی بعدی برخوردارند (۱۰ و ۱۱). Bamerind رفتارهای والدینی را به طور غالب در دو بعد پاسخگویی / گرمی (responsiveness / warmth) شامل رفتارهای مرتبط با پذیرش، گرمی و صمیمیت در مقابل طرد، انتقاد و کنترل (transference, exclusio control,) والدین شامل رفتارهای کنترلی و بیش حمایتی در مقابل ترویج خودمختاری مفهوم سازی کرده است (۱۲). لذا ناگویی خلقی به عنوان یکی از تظاهرات رفتار هیجانی / خلقی متأثر از رفتار والدین، با طیف وسیعی از هیجانات از جمله شرم، خجالت و ... می تواند همراه گردد. در همین راستا، مطالعات نیز نشان داده اند که تنظیم هیجانی به طور موثری با آسیب شناسی اشکال مختلف رفتارهای خوردن مرتبط است (۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶). نیز در طی مطالعه ای نشان دادند بین استفاده راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با رفتارهای مرتبط با خوردن رابطه وجود دارد. تنظیم

ابزارهاى اندازه‌گيرى

الف) مقياس ناگوئى خلقى تورنتو-20 (twenty -) : (TASE-20) item toronto alexithymia scale-1

مقياس ناگوئى خلقى تورنتو توسط بگى و همكاران در سال ۱۹۹۴ ساخته شد. اين مقياس يك آزمون ۲۰ سوالى است كه سه بعد دشوارى در شناسايى احساسات (۷ گويه)، دشوارى در توصيف احساسات (۵ گويه) و جهت گيرى عيى بيرونى (۸ گويه) را در اندازه هاى ۵ درجه اى ليكرت از نمره ۱ (كاملاً مخالف) تا نمره ۵ (كاملاً موافق) مى سنجد. يك نمره كل نيز از جمع نمره هاى ۳ زير مقياس براى ناگوئى خلقى كل محاسبه مى شود. بشارت (۱۳۸۸) مقياس ناگوئى خلقى تورنتو را هنجار يابى و ضرايب آلفاى كرونباخ را براى ناگوئى هيجانى كل و سه زير مقياس دشوارى در شناسايى هيجانها، دشوارى در توصيف هيجانها و جهت گيرى بيرونى در تفكر را به ترتيب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ گزارش كرد. همچنين روايى همزمان اين مقياس بر حسب همبستگى بين زيرمقياس هاى اين آزمون و مقياس هاى هوش هيجانى، بهزيستى روانشناختى و درماندگى روانشناختى بررسى و مورد تايد قرار گرفت (۱۹).

ب) پرسشنامه رفتار والدينى (parenting styles questionnaire)

اين مقياس توسط بامرند در سال ۱۹۹۱ براساس ساخته شده كه شيوه هاى والدينى را در قالب ۳۰ ماده و در سه عامل اندازه گيرى مى كند كه ۱۰ ماده آن مربوط به شيوه سهل گير، ۱۰ ماده به شيوه مستبد و ۱۰ ماده ديگر نيز به شيوه قاطع و اطمينان بخش در امر پرورش فرزند مربوط مى شود. نحوه نمره گذارى مقياس نيز در طيف ليكرت ۵ درجه اى بصورت كاملاً موافقم (۰)، تا حدودى موافقم (۱)، تا حدودى مخالفم (۲)، مخالفم (۳) و كاملاً مخالفم (۴) انجام مى گيرد (۲۰). مينائى و نيكراد (۱۳۹۶) در پژوهشى ضمن تايد روايى سازه مقياس با استفاده از تحليل عاملى اكتشافى و تايدى، پايابى آن را با استفاده از ضريب گاتمن براى شيوه مقتدرانه ۰/۷۵، مستبدانه ۰/۷۴ و سهل گيرانه ۰/۶۲ گزارش نمودند. همچنين بوراى (۱۹۹۱) براى بررسى اعتبار و روايى اين پرسشنامه از روش افتراقى استفاده نمود و مشاهده كرد كه شيوه فرزندپرورى استبدادى رابطه منفى با سهل گيرى رابطه ($r=0/38$) و اقتدار منطقى ($r=0/48$) دارد و شيوه سهل گيرى رابطه معنى دارى با شيوه اقتدار منطقى آن نداشت ($r=0/7$) (۲۱).

ج) پرسشنامه نگرش هاى خوردن (eating attitudes test (EAT-26)

اين پرسشنامه توسط Garner, Olmsted, Bohr, Garfinkel ساخته شده است و داراى ۲۶ ماده است و هر ماده در سال ۱۹۸۲ ساخته شده است و داراى ۲۶ ماده است و هر ماده در يك مقياس ليكرت شش گزينه اى (هميشه، بيشتر اوقات، خيلى اوقات، گاهى، بندرت و هرگز) نمره دهى مى شود. اين پرسشنامه رفتارهاى كم خورى، اشتغال ذهنى با غذا، بى اشتهاى، پراشتهاى و نگرانى از چاق بودن را در سه مولفه (۱) رژيم لاغرى (۲) پرخورى و اشتغال ذهنى با غذا و (۳) كنترل دهانى اندازه گيرى مى كند. پاسخ «هميشه» نمره ۳،

«بيشتر اوقات» نمره ۲، «خيلى اوقات» نمره ۱ و سه گزينه ديگر نمره صفر مى گيرند. نمره برش ۲۰ و بالاتر براى EAT-26 احتمال وجود اختلال خوردن را نشان مى دهد. خدابخش و كيائى (۱۳۹۵) روايى محتوايى فرم فارسى EAT-26 را مطلوب و اعتبار آن را با استفاده از روش بازآزمائى ۰/۹۱ گزارش کرده اند. همچنين براى محاسبه پايابى با روش آلفاى كرونباخ، مقدار آن را ۰/۹۱ بدست آورد. (۲۲).

د) مقياس تنظيم شناختى هيجان (cognitive emotion regulation questionnaire (CERQ)

پرسشنامه تنظيم شناختى هيجان يك ابزار خودگزارشى است كه در سال ۱۹۹۹ توسط گرنفسكى و همكاران طراحى شده است. اين پرسشنامه شامل ۳۶ آيتم و ۹ زيرمقياس است كه ۵ زيرمقياس راهبردهاى تنظيم شناختى هيجان سازگار يا مثبت، شامل پذيرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه ريزى، ارزيايى مجدد مثبت، ديده گاه گيرى و ۴ زيرمقياس نيز راهبردهاى تنظيم شناختى هيجان ناسازگار يا منفى شامل سرزنش خود، نشخوار فكري، فاجعه انگارى و سرزنش ديگرى را اندازه گيرى مى كند. علاوه بر زيرمقياس هاى مطرح شده دو مقياس كلى شامل راهبردهاى تنظيم شناختى هيجان مثبت و منفى نيز براى پرسشنامه محاسبه مى شود. نحوه نمره گذارى اين پرسشنامه به صورت طيف ليكرت ۵ درجه اى از تقريباً هرگز (۱) تا تقريباً هميشه (۵) مى باشد. در بررسى مقدماتى ويژگى هاى اعتبارسنجى اين پرسشنامه در نمونه اى از جمعيت عمومى، ضرايب آلفاى كرونباخ براى خرده مقياس ها از ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ محاسبه شد. همچنين روايى همگرا و تشخيصى (افتراقى) اين پرسشنامه از طريق محاسبه ضرايب همبستگى زيرمقياس هاى آن با افسردگى، اضطراب، استرس و شاخص هاى سلامت روانى بررسى و مورد تايد قرار گرفت (۲۳).

روش تجزيه و تحليل اطلاعات

داده هاى جمع آورى شده، ابتدا كدگذارى و سپس با استفاده از نرم افزارهاى Amos و SPSS با روش مدلسازى معادله هاى ساختارى (SEM) تجزيه و تحليل گرديد.

يافته ها

در ابتدا با بررسى پيش فرض هاى آمارى با استفاده از آزمون هاى كشيديگى و چولگى، كولموگروف-اسميرنوف داده نرمالى داده ها تايد شد و مدل اندازه گيرى چهار متغير پژوهش بررسى شد.

جدول ۱: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، چولگی و کشیدگی

متغیر	آماره	معناداری	چولگی	کشیدگی
ناگویی خلقی	۱/۱۱۲	۰/۱۶۹	-۰/۶۸۸	۰/۱۱۴
سهل گیر	۱/۲۴۷	۰/۱۴۲	-۰/۴۱۵	-۰/۳۳۰
مستبد	۱/۰۵۷	۰/۴۲۱	-۰/۴۲۴	-۰/۷۶۵
شیوه‌ی قاطع و اطمینان بخش	۰/۹۲۷	۰/۰۸۷	-۰/۳۵۷	-۰/۰۹۹
تنظیم شناختی هیجان سازگار	۱/۱۱۱	۰/۱۶۱	-۰/۱۳۵	-۰/۰۹۴
تنظیم شناختی هیجان ناسازگار	۱/۲۹۵	۰/۰۷۰	۰/۲۷۵	-۰/۲۲۲
نگرش به خوردن	۰/۹۸۴	۰/۲۸۷	-۰/۰۴۰	-۰/۱۸۵

با توجه به جدول ۱، مقادیر بدست آمده از آزمون آزمون‌های، کشیدگی و چولگی، کولموگروف-اسمیرنوف در سطح مناسب قرار دارند و در نتیجه داده نرمالی داده‌ها تأیید شد.

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
ناگویی خلقی	۶۳/۱۴	۱۱/۸۱	۱						
سهل گیر	۲۱/۶۱	۷/۰۴	۰.۲۵**	۱					
مستبد	۲۷/۸۱	۷/۷۹	۰.۲۹**	۰.۱۹**	۱				
شیوه‌ی قاطع	۱۰/۸۵	۱/۷۶	-۰.۷۳**	-۰.۲۱**	-۰.۱۶**	۱			
تنظیم شناختی هیجان سازگار	۴۴/۲۸	۸/۷۳	-۰.۳۶**	-۰.۰۹	-۰.۰۳**	۰.۱۵**	۱		
تنظیم شناختی هیجان ناسازگار	۴۳/۵۵	۱۱/۹۸	۰.۴۶**	۰.۲۱**	۰.۱۷**	-۰.۱۵**	-۰.۸۶**	۱	
نگرش به خوردن	۲۶/۶۴	۹/۰۸	۰.۲۹**	۰.۱۴**	۰.۱۵**	-۰.۱۷**	-۰.۲۱**	۰.۲۱**	۱

* P<0/01 ** P<0/05

منفی معنی داری بین متغیرهای رفتار والدینی قاطع و اطمینان بخش و تنظیم شناختی هیجان سازگار با نگرش به خوردن در سطح ۰/۰۱ وجود دارند.

نتایج مندرج در جدول (۲) همبستگی مثبت معنی داری بین متغیرهای ناگویی خلقی، رفتار والدینی سهل گیر و مستبد و تنظیم شناختی هیجان ناسازگار با نگرش به خوردن در سطح ۰/۰۱ وجود دارند. همچنین همبستگی

جدول ۳: شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها

نام آزمون	توضیح	مقادیر قابل قبول	مقدار به دست آمده
χ^2/df^1	کای اسکوئر نسبی	<۳	۲/۴۳۰
χ^2	آزمون نیکویی برازش مجذور کای	-	۳۱۸/۳۳
DF ²	درجه آزادی	-	۱۳۱
RMSEA ³	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	<۰/۱	۰/۰۳۱
GFI ⁴	شاخص برازندگی تعدیل یافته	>۰/۹	۰/۹۹۴
NFI ⁵	شاخص برازش نرم	>۰/۹	۰/۹۸۳
CFI ⁶	شاخص برازش مقایسه ای	>۰/۹	۰/۹۹۲

Relative chi-square¹

Degrees of freedom²

Root Mean Square Error³

Goodness of fit index⁴

Normed Fit Index⁵

Comparative fit index⁶

آزادی (۲/۴۳۰) بین ۱ و ۳ می‌باشد و میزان شاخص GFI، CFI و NFI نیز تقریباً برابر و بزرگتر از ۰/۹ هست که نشان می‌دهند مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی، مناسب است (۲۴).

مطابق جدول (۳) مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۳۱ می‌باشد لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان دهنده این است که میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب است و مدل قابل قبول است. همچنین مقدار کای دو به درجه

جدول ۴: برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست نمایی (ML)

معنی داری	t	R ²	β	b	متغیر
۰/۰۰۰	۳/۴۰	۰/۲۲	۰/۲۶	۰/۸۵	ناگویی خلقی بر نگرش به خوردن
۰/۰۰۰	۴/۶۵	۰/۱۲	۰/۳۱	۰/۳۹	سهل گیر بر نگرش به خوردن
۰/۰۰۰	۳/۳۲	۰/۱۱	۰/۲۴	۰/۴۸	مستبد بر نگرش به خوردن
۰/۰۰۰	۳/۵۶	۰/۱۴	-۰/۲۸	-۰/۵۲	قاطع بر نگرش به خوردن
۰/۰۰۰	۴/۰۱	۰/۱۳	-۰/۲۹	-۰/۴۶	راهبرد سازگارانه بر نگرش به خوردن
۰/۰۰۰	۴/۶۳	۰/۱۵	۰/۳۱	۰/۵۱	راهبرد ناسازگارانه بر نگرش به خوردن

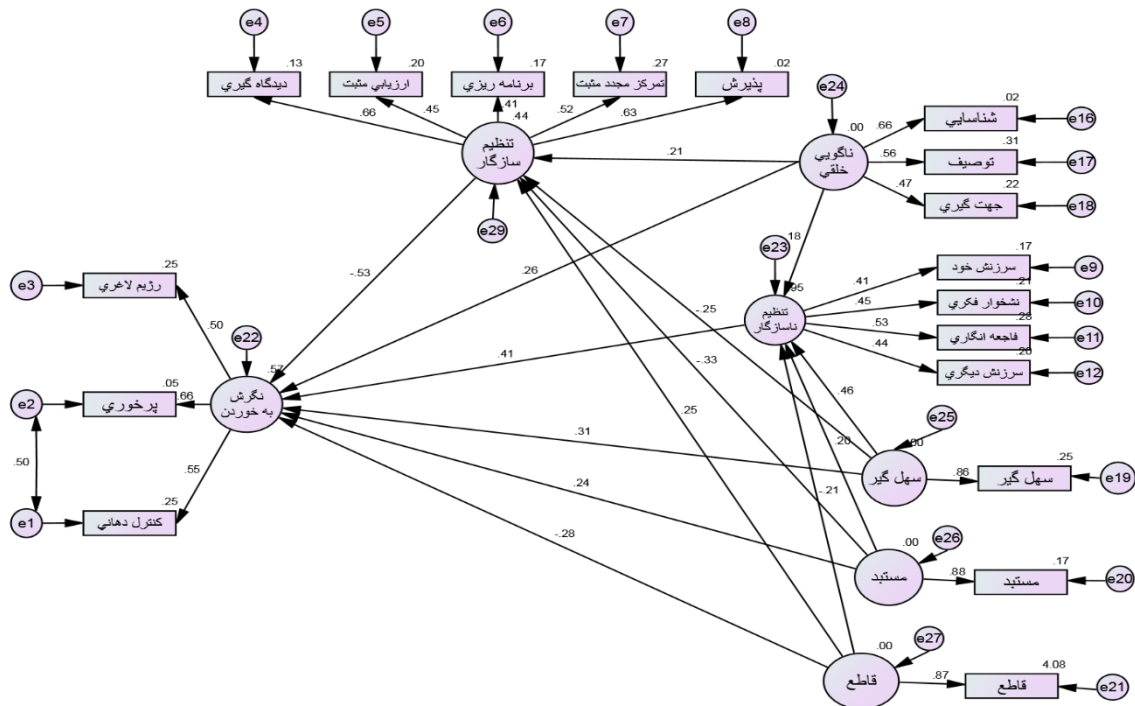
با توجه به جدول (۴) مسیرهای ناگویی خلقی، رفتار والدینی و تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار با اثر مستقیم معنی داری بر نگرش به خوردن دارا هستند.

جدول ۵: برآورد غیر مستقیم مدل با استفاده از روش حداکثر درست نمایی (ML)

P	R ²	B مسیر غیر مستقیم	B مسیر مستقیم	متغیر
۰/۰۰۰	۰/۰۶۳	۰/۲۹۷	۰/۲۱۴	نگرش به خوردن بر اساس ناگویی خلقی با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان سازگار
۰/۰۰۰	۰/۰۸۱	-۰/۳۲۵	-۰/۲۵۱	نگرش به خوردن بر اساس رفتار والدینی سهل گیر با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان سازگار
۰/۰۰۰	۰/۱۳۹	-۰/۴۱۲	-۰/۳۳۹	نگرش به خوردن بر اساس رفتار والدینی مستبد با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان سازگار
۰/۰۰۰	۰/۰۸۴	۰/۳۳۱	۰/۲۵۴	نگرش به خوردن بر اساس رفتار والدینی قاطع با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان سازگار
۰/۰۰۰	۰/۰۴۷	۰/۲۶۲	۰/۱۸۳	نگرش به خوردن بر اساس ناگویی خلقی با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان ناسازگار
۰/۰۰۰	۰/۲۳۷	۰/۵۱۳	۰/۴۶۲	نگرش به خوردن بر اساس رفتار والدینی سهل گیر با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان ناسازگار
۰/۰۰۰	۰/۰۹۱	۰/۳۴۰	۰/۲۶۹	نگرش به خوردن بر اساس رفتار والدینی مستبد با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان ناسازگار
۰/۰۰۰	۰/۰۶۱	-۰/۲۹۱	-۰/۲۱۲	نگرش به خوردن بر اساس رفتار والدینی قاطع با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان ناسازگار

دارای اثرهای معنی داری است و با توجه به روش حداکثر درست نمایی مورد تایید واقع گردید.

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌گردد، مسیر غیر مستقیم نگرش به خوردن بر اساس ناگویی خلقی و رفتار والدینی با میانجی‌گری تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار مقادیر اثر و ضریب تعیین به دست آمده



شکل ۱: مدل نهایی مسیرهای آزمون شده به همراه آماره های پیش بینی استاندارد شده

به تأثیرگذاری در بیان هیجانی نامناسب و از آنجایی که همبستگی مثبتی بین شیوه های فرزندپروری مستبدانه و سهل گیر با راهبردهای تنظیم هیجانی و ناگویی خلقی وجود داشته، منجر به ارزیابی شناختی ناسازگار در خصوص رفتارهای مربوط به خوردن و نگرش غیرطبیعی خوردن می شود (۱۳). در واقع، زمانی که نوجوانان دختر با والدینی سهل گیر و یا مستبد روبرو هستند و به دلیل شیوه های تربیتی این نوع والدین، به طور غیرمنطقی و نامناسبی با وقایع زندگی برخورد می کنند و راهبردهای سازگار تنظیم شناختی هیجان را آموزش نمی بینند، در توصیف و بیان هیجان خود دچار مشکل می شوند که این امر منجر به ناگویی خلقی می شود. لذا، این نوجوانان از آنجایی که به ناگویی خلقی دچار شده اند، در ارزیابی و بیان هیجان خود صادق نخواهند بود و ارزیابی های آنها غیرمنطقی و ناپجا خواهد بود (۸) و بمنظور دستیابی به اطلاعاتی درباره اندازه/ شکل یا وزن خود به شناخت درستی نخواهد رسید تا بتوانند رفتار خوردن طبیعی را نشان دهند. علاوه بر این می توان گفت، دخترانی که تحت سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل گیر رشد کرده اند، بیشتر در تنظیم شناختی مثبت هیجان ها مشکل دارند و آنها به اطلاعات منفی توجه بیشتری داشته و سطوح بالاتری از شدت هیجان های منفی را تجربه می کنند. لذا وجود ارتباط بین سبک های فرزندپروری مستبدانه با راهبرد تنظیم شناختی منفی و مؤلفه های ناگویی خلقی قابل تأمل است، چراکه این افراد در موقعیت های چالش زا و رویدادهای آسیب زای زندگی نمی توانند با پذیرش و ارزیابی درست، هیجان های مناسب داشته باشند و در کنترل و تنظیم آن دچار ناتوانی می شوند که این موجب شناخت نامناسب از احساسات شده، در نتیجه ابراز و توصیف هیجان ها را دچار مشکل می کند که این امر نیز در گرایش های رفتاری نامناسب در تغذیه و خوردن نقش دارد.

به طور کلی در مجموع مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم ۵۷ درصد از متغیر نگرش به خوردن را پیش بین نمودند. (در مدل بر روی متغیر نگرش به خوردن قید شده است)

بحث

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه ای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ناگویی خلقی و رفتار والدینی با نگرش به خوردن دختران نوجوان بود. یافته های پژوهش نشان داد همبستگی مثبت معنی داری بین متغیرهای ناگویی خلقی، رفتار والدینی سهل گیر و مستبد و تنظیم شناختی هیجان ناسازگار با نگرش به خوردن وجود دارند. همچنین همبستگی منفی معنی داری بین متغیرهای رفتار والدینی قاطع و اطمینان بخش و تنظیم شناختی هیجان سازگار با نگرش به خوردن وجود دارند. همچنین مسیر غیر مستقیم نگرش به خوردن بر اساس ناگویی خلقی و رفتار والدینی با میانجی گری تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار، معنادار بود به طوری که ۵۷ درصد از متغیر نگرش به خوردن را پیش بین نمودند. همسو با یافته های پژوهش، نتایج مطالعات شانک و همکاران (۲۰۱۹)، اندالپاسلان و همکاران (۲۰۱۵)، نواکاوسکی و همکاران (۲۰۱۳) و سجادی و دهقانی زاده (۱۳۹۵) نشان داده که افراد با مشکلات خوردن همواره سطح بالایی از ناگویی خلقی را نسبت به دیگر افراد گزارش می کنند. علاوه بر این، پژوهش های قبل نیز نشان داده رفتارهای متأثر از هیجان به طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق هیجانان در شکل گیری مشکلات و مسائل خوردن نقش دارد (۱۶، ۱۳، ۱۴، ۲۵). در تبیین نتایج بدست آمده می توان گفت، دخترانی که از راهبردهای ناسازگار و منفی تنظیم شناختی هیجان همچون نشخوار ذهنی در خصوص وضعیت بدنی بهره می گیرند، شناخت غیرمنطقی نسبت به اندام خود پیدا می کنند و این امر با توجه

نتيجه‌گيرى

در مجموع يافته‌ها نشان داد داشتن مهارت‌هاى تنظيم شناختى مثبت هيچان در کنار شيوه‌هاى تربيتى قاطع و اطمينان بخش ضمن تظاهرات هيچانى و خلقى مناسب در شكل‌گيرى رفتارها و گرايش‌هاى مناسب خوردن نيز نقش دارد. لذا به عنوان روش كاربرى حاصل از نتايج اين پژوهش، مى‌توان با استفاده از آموزش راهبردهاى تنظيم شناختى هيچان و شيوه‌هاى فرزندپرورى مناسب، همچون روش‌هاى قاطع و اطمينان بخش در ايجاد نگرش‌هاى مناسب خوردن، اثرگذار بود. اين امر ضمن كمك به پيشرفت منطقى در بيان و بروز هيچانات دختران نوجوان، در ايجاد تصوير بدنى مناسب كمك کرده و از روش‌هاى غيرطبيعى همچون كم اشتهاى و يا پرخورى عصبى جلوگيرى مى‌كند. لذا يافته‌هاى اين پژوهش از اهميت رابطه‌ى رفتار والدينى و ناگوئى خلقى در ايجاد نگرش‌هاى خوردن و نحوه‌ى تغذيه‌ى دختران نوجوان حمايت مى‌كند. از جمله ضعف‌هاى اين پژوهش، استفاده از روش پرسشنامه‌اى و نظرسنجى از دانش آموزان دختر بوده است، كه در تعميم نتايج بايستى احتياط لازم صورت گيرد. لذا پيشنهاده مى‌گردد در مطالعات مشابه، از روش‌هاى غيرساختارمند همچون مصاحبه‌ى بالينى نيز استفاده گردد.

ملاحظات اخلاقى

پيروى از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر فرم‌هاى رضايتم‌آگاهانه توسط تمامى آزمودنى‌ها تکميل شد.

حامى‌مالى

هزينه‌هاى مطالعه حاضر توسط نويسندگان مقاله تامين شد.

مشاركت نويسندگان

طراحى و ايده پردازى: زهره حاتمى و فريبا حسنى
روش‌شناسى و تحليل داده‌ها: زهره حاتمى، روبيا كوچك انتظار و فاطمه گلشنى
نظارت و نگارش نهايى: زهره حاتمى و فريبا حسنى

تشكر و اعلان

نويسندگان، از تمامى شركت‌كنندگان در طى اين پروژه، سپاسگذار و قدردانند. اين بررسى، بخشى از پايان نامه (به شماره: ۱۰۱۲۰۷۰۵۹۷۲۰۰۴) زهره حاتمى به عنوان نويسنده اول، با تايد دانشگاه آزاد اسلامى، واحد تهران مركزى بود. از تمامى اعضاى محترم دانشكده روانشناسى بابت نظرات سازنده شان در طول اين تحقيق، عميقا سپاسگذاريم.

تعارض منافع

بنابر اظهار نويسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Indriasari, R., Fitayani, N. S., Mansur, M. A., & Tunru, A. Alarming nutrition problems among adolescent students attending islamic boarding school in Indonesia. *Enfermería Clínica*, (2020); 30, 44-47
- Roustae R, Hajifaraji M, Dezhkam M, Houshiar-rad A, Mehrabi Y, Zowghi T. Prevalence of eating disorders and some of the factors related to them among high school female students in the City of Tehran, 2010. *Iranian Journal of Nutrition Sciences & Food Technology*. 2013; 8 (1) :135-144 (In Persian).
- Cheah, S. L., Jackson, E., Touyz, S., & Hay, P. Prevalence of eating disorder is lower in migrants than in the Australian-born population. *Eating Behaviors*, (2020); 37, 101370.
- Brown, T. A., Avery, J. C., Jones, M. D., Anderson, L. K., Wierenga, C. E., & Kaye, W. H. The Impact of Alexithymia on Emotion Dysregulation in Anorexia Nervosa and Bulimia Nervosa over *Time.Eur Eat Disord Rev*, (2018); 26(2), 150-155.
- Shank, L. M., Tanofsky-Kraff, M., Kelly, N. R., Jaramillo, M., Rubin, S. G., Altman, D. R., ... & Brady, S. M. The association between alexithymia and eating behavior in children and adolescents. *Appetite*, (2019); 142, 104381.
- Alpaslan, A. H., Soyly, N., Avci, K., Coşkun, K. Ş., Kocak, U., & Taş, H. U. Disordered eating attitudes, alexithymia and suicide probability among Turkish high school girls. *Psychiatry Research*, (2015); 226(1), 224-229.
- Nowakowski, M. E., McFarlane, T., & Cassin, S. Alexithymia and eating disorders: a critical review of the literature. *Journal of Eating Disorders*, (2013); 1 (21), 2-34.
- Sajadi F, Dehghanizade Z. A survey on the relationship between alexithymia and dissociation experiences with eating attitudes in girl students of Shahid Chamran University of Ahvaz. *J*

- Shahrekord Univ Med Sci. 2016; 18 (5) :8-17 (In Persian).
9. Gourounti, K., Anagnostopoulos, F., Griva, F., & Vaslamatzis, G. Alexithymia and fertility-related stress. *Women & Health*, (2016); 56(3), 312-325.
 10. Martinson, L. E., Esposito-Smythers, C., & Blalock, D. V. The effect of parental monitoring on trajectories of disordered eating attitudes and behaviors among adolescents: An individual growth curve analysis. *Appetite*, (2016); 107, 180-187.
 11. Jafarzadeh, N., Farrokhi, NA., Sohrabi Asmroud F. The relationship between parenting styles and resilience with students' happiness. *Educational psychology*. 2016:11 (37),68-81(In Persian).
 12. Pace, U., D'Urso, G., & Zappulla, C. Negative eating attitudes and behaviors among adolescents: The role of parental control and perceived peer support. *Appetite*, (2018); 121, 77-82.
 13. Mallorquí-Bagué, N., Vintró-Alcaraz, C., Sánchez, I., Riesco, N., Agüera, Z., Granero, R., . . . Fernández-Aranda, F. Emotion Regulation as a Transdiagnostic Feature Among Eating Disorders: Cross-sectional and Longitudinal Approach. *European Eating Disorders Review*, (2018); 26(1), 53-61.
 14. Minnich, A. M., Gordon, K. H., Kwan, M. Y., & Troop-Gordon, W. Examining the mediating role of alexithymia in the association between childhood neglect and disordered eating behaviors in men and women. *Psychology of Men & Masculinity*, (2017); 18(4), 414.
 15. Vandewalle, J., Moens, E., & Braet, C. Comprehending emotional eating in obese youngsters: The role of parental rejection and emotion regulation. *International Journal of Obesity*, (2013); 38, 525-530.
 16. Juarascio, A. S., Parker, M. N., Manasse, S. M., Barney, J. L., Wyckoff, E. P., & Dochat, C. An exploratory component analysis of emotion regulation strategies for improving emotion regulation and emotional eating. *Appetite*, (2020); 150, 104634.
 17. Ongena, D. E. Cognitive emotion regulation in the prediction of depression and submissive behavior: Gender and grade level differences in turkish adolescents. *Procsoc Behavsci*.(2010); 9,1516-1523.
 18. Gross, J. J. The emerging field of emotion regulation: an integrative review. *Review of general psychology*, (2014); 2, 3, 271.
 19. Besharat MA., Geranmayepour Sh., Pournaghdali A., Ofoghi Z., Habibnezhad M., Aghaei Sabet SS. The Relationship between alexithymia and interpersonal problems: Moderating effect of attachment styles. *Contemporary Psychology*. 2014: 9(1), 3-16 (In Persian).
 20. Tarkeshdooz, SH., Farokhzad, P. The relationship between children behavioral disorders with parenting styles and attachment styles. *Community Health*. (2017); 4 (2): 118-126. (In Persian).
 21. Minaei, A., Niczad, S., The factor structure and validity of the Persian version of the baumrind parenting style inventory. *Journal of Family Research*. (2017); 13 (1): 91-108. (In Persian).
 22. Khodabakhsh M R, Kiani F. The Mediator Role of Emotion Regulation Difficulties in Relationship between Alexithymia and Disordered Eating Behaviors among Students Allameh Tabataba'i University, Iran.. *Qom Univ Med Sci J*. 2016; 10 (2) :44-51. (In Persian).
 23. Sadri, Damirchi, E., Asadi, Shishegaran, S., Esmaili, Ghazivaloii, F. Effectiveness of emotion regulation training on cognitive emotional regulation, loneliness and social intimacy in woman with addicted spouse. *Quarterly Journal of Social Work*. (2016); 5 (2); 37-46. (In Persian).
 24. Hooman H R. *Structural Equation Modeling With LISREL Application*. Tehran: Samt;2015. P. 205-206.
 25. Azimzadeh B., Razavieh, A., Moharrari, MR. Investigation of Relationship between Disordered Eatings and Body Checking Behaviors in the Students of Islamic Azad University of Arsanjan. *Knowledge & Research in Applied Psychology*. 2009: 42, 124- 148 (In Persian).